

دومین گفت‌وگو با یک زن کارتن خواب که حالا غم به دنیا آمدن فرزندش نیز به رنج هایش اضافه شده

ماجرای شبی که در گودال جان دادم!



عکاس: سحر تاجی

گزارش اجتماعی

موفقی

اولین دیدار من با سمیرا، آذر ۹۸ بود که برای تهیه گزارش به قلعه افغان رفته بودم. حدود ساعت ۳ بعداز ظهر، همان ابتدا که وارد محله شد، یکی از بچه‌های محل او را به من نشان داد و گفت: «سمیرا آمد... سمیرا آمد». او با گرفتن یک کیف دستی مشکی ولی کهنه زیر بغلش سعی داشت ماندن زن های امروزی جلوه کند. همان طور که از دور به او نگاه می کردم، به ظاهرش بیشتر دقت کردم و متوجه آثار اعتیاد در چهره اش شدم.

به طرفش رفتم. سر صحبت را با او باز کردم. طوری بر خوردمی کرد که انگار سال هاست مرا می شناسد. بعد با لبخندی گفت: «باورت می شود همین الان از سر کار آمده ام؟» نگاهی به اطرافش انداخت و با همان صدای دور گو و خش دارش گفت: «بین خودمان باشد، من زباله

اولین تجربه کارتن خوابی

پس از هشت ماه دوباره به قلعه افغان می روم، دوباره سمیرا را می بینم. این بار داستان زندگی اش را بر ابرام تعریف می کند: «۱۵ ساله بودم که با یکی از اقوام دور نامادری ام ازدواج کردم. با وجود اخلاق های بد شوهرم، اما پدرم آن قدر متعصب بود که مخالف جدایی ما بود، حتی مرا در کیسه گونی کرت با ماشین از روی من رد

کردی می کنم. از صبح که بیدار می شوم بر ای سیر کردن شکمم، به محله های بالای شهر می روم تا از بین زباله هایک چیز به در بخوری پیدا کنم و بفروشم. مردم وقتی سر و وضع مرا می بینند که مرتب و امروزی لباس می پوشم، پولی هم کف دستم می گذارند. البته گاهی وقت ها همسایه ها بر ابرام غذای آورند، یا پولی به من می دهند و هوای مرا دارند. این جابه هر کس بگویی سمیرا، همه مرا می شناسند».

رانمی گرفت، الان زنده نبودم. مدتی پس از جدایی ام، پدرم دیگر این موضوع را پذیرفت و من در طبقه پایین خانه پدری ام زندگی می کردم. مدتی بعد، از غصه و دلنگنی پسر دوساله ام، ناخواسته توسط برادر نامادری ام، به کرپستان اعتیاد پیدا کردم. در یکی از شب هایی که پدرم به سفر کاری رفته بود، با نامادری ام دعوا کردم و به خانه دوستانم پناه بردم. مدتی به همین روال گذشت تا این که پول هایم تمام شد، حتی برای مصرف مواد پولی نداشتم. از طرفی غرورم اجازه نمی داد که دستم را جلوی کسی دراز کنم، برای همین آواره خیابان ها شدم. ۲۴ سال بیشتر نداشتم که با لباس های پسرانه و قیافه ای ژولیده به باغ نمونه رفتم. جایی که می دانستم همه کارتن خواب ها آن جا جمع می شوند. آن جا با دختری به نام زهره آشنا شدم که با لباس های پسرانه و چته ای بسیار لاغر و نحیف روی ویلچر نشسته بود. وقتی مرا دید، از من پرسید که پسر هستم یا دختر؟ بعد از این که فهمید دخترم، از

آمدن دوزهره را صدامی زدند، من از ترس نفسم حبس می شد. آن جا همه زهره را می شناختند و مانند یک مرد با او رفتار می کردند. من چون ظاهر نسبتا زیبایی داشتم، مدام نگران بودم که مبادا کسی آن جا قصد تعرض به من را پیدا کند. مدام دعای کردم تا اتفاقی بر ابرام نیفتد. سمیرا همان طور که آه از سینه اش کنده می شد، با همان صدای لرزان ادامه می دهد: «مدت ها گذشت، تا این که یک روز صبح درون گودال خوابیده بودم که با دختری حرف های آب شده روی صورتش، از خواب پریدم. هر چه زهره را تکان دادم تا از

۶۶

زهره مقوایی که از قبل تانیمه بالای گودال را پوشانده بود، به طرف جلو کشید تا سقف بالای سرمان شود. کمی بعد همان جا راحت خوابش برد اما من...

خواب بیدار شود و در آن سرمای زمستان لباس هایش خیس نشود، اما بیدار نمی شد. جثه لاغر و نحیفش مثل چوب خشکی از سرما یخ زده بود. دوروز بود که چیزی برای خوردن گیر مان نیامده بود، برای همین چون بدنش ضعیف بود در مقابل سرما مقاومت نکرد. بیچاره پس از دو روز گر سگی از دنیا رفت. آن شب من هم مثل او از ترس جان دادم. بعد که شهر داری آمد جنازه اش را ببرد، تازه فهمیدم هشت ساعت از مرگش گذشته بوده و در بغل من جان داده است». سمیرا در حالی که به نقطه ای خیره شده است، آهی می کشد و می گوید: «تمام سه ماه زمستان سال ۸۶ را کنار زهره، به همین شکل گذراندم. دختر ساده ای بودم که دیگر آن قدر مار خوردم، افعی شدم. هنوز حرف پدرم را به خاطر دارم که همان اوایل وقتی فهمید اعتیاد دارم، به من می گفت بار همین ماشین های سنگینی که در جاده می برم، کمر مرا خم نکرد، اما غصه تو یک دانه دختر کمر مرا خم کرد».

دوست ندارم بچه ام به دنیا بیاید

از او می خواهم ادامه ماجرای زندگی اش، بعد از مرگ زهره را بر ابرام تعریف کند، می گوید: «پس از مرگ زهره، به پیشنهاد یکی از دوستانم به زباله گردی و جمع آوری ضایعات روی آوردم. پس از مدتی به قلعه افغان آمدم و با شوهرم آشنا شدم. تا زگی ها شوهرم در یک شرکت خدماتی مشغول کار شده است و هر از گاهی ضایعات جمع می کند. خودم هم گاهی برای جمع آوری ضایعات می روم. حالا هم چهار ماهه بار دار هستم، اما دوست ندارم بچه ام به دنیا بیاید، چون آینده ای ندارد». این جمله را می گوید و دوباره اشک صورتش را می پوشاند. او موقع خداحافظی بدرقه ام می کند و با چشمانی گریان از به دنیا آمدن فرزندش ایراز نگرانی می کند، از این که حتی هزینه های بیمارستان برای به دنیا آوردن او را ندارد. تا این که خودروی روزنامه راه می افتد. همان طور که از پشت سر برای او دست تکان می دهم، وسط کوچه های خاکی حاشیه شهر، چهره سمیرا با دهمایی های کهنه اش محومی شود، اما تصویر آینده فرزندش که در راه دارد، از پیش چشمانم کنار نمی رود.



گزارش تکان دهنده
روزنامه خراسان رضوی
از شرایط کمپ ترک
اعتیاد اجباری با عنوان
این جا، جان و اعتیاد با
هم می رود
تاریخ ۹۸/۷/۲



گزارش روزنامه
خراسان رضوی از
معضل کارتن خوابی
در حاشیه شهر مشهد با
عنوان نفس هایی که در
کارتن حبس می شود
تاریخ ۹۹/۲/۳



گزارش روزنامه
خراسان رضوی از
روایت تلخ خبرنگار
خراسان از یک شب
زندگی در گرمخانه
بانوان
تاریخ ۹۸/۱۱/۲۷

گرمخانه؛ مسکنی برای معضل کارتن خوابی

شهر داری: ۲ گرمخانه با ظرفیت ۵۰۰ نفر طی روزهای آینده به بهره برداری می رسد

ستاد مبارزه با مواد مخدر استان یکی از سازمان هایی است که در این زمینه اقداماتی را در دستور کار قرار داده است. محمد حسین صالحی دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان می گوید: ایجاد گرمخانه اتفاقی است که می تواند به عنوان آرام بخش عمل کند و در زمینه گرمخانه ها فعالیت به حوزه خدمات شهر داری بر می گردد ولی در زمینه معناتان متجاهر که در حوزه اقدامات ستاد مبارزه با مواد مخدر محسوب می شود ما از ابتدا ایستاد اما امروز حدود ۱۹۰۰ معنات متجاهر را از سطح شهر جمع آوری کرده ایم و از سال گذشته اقداماتی زیر ساختی با عنوان ساخت اردوگاهی برای جمع آوری، درمان و سلامت بخشی به معناتان متجاهر با مشارکت شهر داری مشهد در حال انجام است که فاز یک آن تا آذرماه اندازی می شود و افزایش ظرفیت هایی را در بخش خصوصی نیز در دستور کار قرار داده ایم که بعد از جمع آوری آن ها اقداماتی هماهنگی مبارزه با مواد مخدر که در روزهای گذشته برگزار شد قرار بر این شد تا قبل از فصل سرما مکان های را به صورت موقت در نظر بگیریم و این معناتان در این مکان ها مستقر شوند تا زیر ساخت های لازم فراهم شود و علاوه بر مشهد در پنج منطقه از استان آماده سازی هایی را با ظرفیت هزار نفر در دستور کار قرار داده ایم که بعد از جمع آوری آن ها اقداماتی را در خصوص ترک اعتیاد و ارائه خدمات روان شناسی به این افراد برای بازگشت شان به جامعه در دستور کار قرار می دهیم. یکی از مراجع رسیدگی کننده دیگر در زمینه مسائل مربوط به معناتان سازمان بهزیستی استان خراسان رضوی است که با وجود تماس تلفنی و ارسال پیامک با مدیر کل این سازمان موفق به برقراری ارتباط با حمیدرضا پوربوسف مدیر کل این سازمان نشدیم.

جمع آوری ۱۹۰۰ معنات متجاهر

بنا به اعلام مسئولان استان معناتان جمعیت زیادی از بی خانمان های استان را تشکیل می دهند و بی شک گرمخانه ها نقش مسکن و آرام بخش مقطعی را در زندگی معناتان ایفا می کند و اقدامات موثرتر را باید در زمینه ترک و بازگشت این افراد به سلامت کامل جست و جو کرد که

۶۶

این گرمخانه ها از ساعت ۱۸ پذیرش کارتن خواب ها و افراد بی خانمان را بدون هیچ گونه محدودیتی شروع می کنند

چرا تا امروز در مشهد گرمخانه ای ساخته نشده است؟

یکی از خلأ های موجود در این باره وجود گرمخانه هایی است که بدون هیچ عذر و بهانه ای، میزبان افراد کارتن خواب و بی سرپناه باشد. یعنی فرد کارتن خواب بداند در این شهر گرمخانه ای وجود دارد و او می تواند به جای ماندن در سرما و خوابیدن زیر پل، گورستان و... به این گرمخانه مراجعه و به اصطلاح شب را روز کند. حسین غزالی سرپرست اداره آسیب دیدگان اجتماعی شهر داری مشهد در پاسخ به این سوال که به چه دلیل تا امروز اقداماتی مبنی بر ساخت گرمخانه هایی با این رویکرد انجام نشده است می گوید: بنده حدود سه ماه است که در این مسئولیت فعالیت می کنم و درباره این که چرا در گذشته این اقدامات انجام نشده است اطلاع چندانی ندارم اما برای ساخت این گرمخانه ها معمولا به جز بودجه عوامل دیگری نیز وجود دارد که روند کار را کند می کند که یکی از آن ها نارضایتی اهالی یک منطقه به دلیل آسیب های احتمالی ساخت گرمخانه هاست و همین موضوع کار را تا حدودی سخت می کند چون این اهالی معتقدند حضور تعداد زیاد افرادی خانمان و کارتن خواب در محل زندگی آن ها ممکن است آسیب هایی را به همراه داشته باشد و طبیعتا جلب رضایت این افراد یا شناسایی محلی مناسب برای ساخت این گرمخانه ها زمان بر است. حسین غزالی در خصوص تفاوت گرمخانه های در حال ساخت با خانه های سبز

بهبودی نیا- چندین سال است که با شروع فصل های سرد سال دوباره بحث درباره افرادی خانمان و کارتن خواب ها در سراسر کشور داغ می شود و استان خراسان رضوی و شهر مشهد نیز از این موضوع مستثنا نیستند. اگر چه خانه های سبز خدماتی را به صورت موقت به کارتن خواب ها و افرادی سرپناه ارائه می دهند اما جای خالی گرمخانه هایی که در طول سال و به صورت دایم در مشهد سرپناهی را برای افرادی خانمان فراهم کند به شدت احساس می شود. حسین غزالی سرپرست اداره آسیب دیدگان اجتماعی شهر داری مشهد در گفت و گو با روزنامه خراسان در پاسخ به این سوال که هم اکنون چه تعداد گرمخانه در شهر مشهد فعال هستند، خاطر نشان می کند: فعلا در مشهد هیچ گرمخانه ای راه اندازی نشده است و ولی مکان هایی برای احداث این گرمخانه ها اعلام شده و قرار بر این شده است که اداره آسیب های اجتماعی شهر داری مشهد یک گرمخانه برای آقایان و یک گرمخانه برای بانوان در محل خانه سبز مشهد در روزهای آینده راه اندازی کند که هر گرمخانه ۲۵۰ نفر ظرفیت دارد. ساختمان این گرمخانه ها آماده بهره برداری است و در روزهای آینده تصمیمات نهایی اتخاذ می شود. وی می گوید: هم اکنون در شورای شهر مشهد ساخت حدود ۱۰ گرمخانه در نقاط مختلف شهر مصوب شده است تا به صورت دایم در طول سال از ساعت ۱۸ تا صبح به خدمت رسانی به افرادی خانمان و کارتن خواب بپردازد. هم اکنون تصمیمات ابتدایی درباره چگونگی روند ساخت و نگهداری و آماده سازی هر گرمخانه گرفته شده است و در روزهای آینده بررسی جامع تری برای شروع به کار انجام می شود.

